

## گفتگوی داریوش فروهر با اعضای شورای سردبیری نشریه راه توده

برگرفته از نشریه راه توده شماره ۴۳، دی‌ماه ۱۳۷۴

داریوش فروهر در کشور آلمان تحت عمل جراحی ستون فقرات قرار گرفت. یک جراح متخصص ایرانی این عمل را در یکی از بیمارستان‌های جنوب آلمان رهبری کرد. او خود سرپرست بخش ویژه‌ی بیمارستانی بود که این عمل دشوار در آن انجام شد. پس از انجام عمل جراحی، هفته‌های دوران نقاهت را داریوش فروهر در شهر فرانکفورت آلمان سپری کرد - شهری که دخترش، پرستو، در آن ساکن بود. در همین دوران، او، که هرگز با استراحت و تکیه بر عصا سر سازش نداشت، رایزنی‌ها و دیدارهای سیاسی‌اش را سازمان داد. رهبری حزب ملت ایران در داخل کشور و در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اطلاعیه و فراخوان «جبهه‌ی مردم‌سالاری» را منتشر کرده بود و داریوش فروهر، ضمن تشریح مبانی این جبهه برای احزاب و سازمان‌های سیاسی خارج از کشور، خود نیز به سرعت آماده‌ی بازگشت به کشور می‌شد. در همین هفته‌های استراحت و رایزنی، چند تن از اعضای شورای سردبیری و سیاست‌گذاری راه توده با وی دیدار و گفتگو کردند. ...

این گفتگوها چند محور عمده داشت:

- شکست برنامه‌ی تعدیل اقتصادی هاشمی رفسنجانی و انتخابات آینده‌ی مجلس پنجم که تدارک آن دیده می‌شد؛

- ناممکن شدن ادامه‌ی فضای سیاسی در ایران و اوج‌گیری جنبش مردم؛

- ضرورت بازنگری قانون اساسی با هدف مردم‌سالاری در ایران؛

- حضور احزاب قدیمی و شناخته‌شده در صحنه‌ی سیاسی ایران و شکست احزاب حکومتی؛

- جدایی دین از حکومت و ضرورت سیاسی ماندن دین؛

- کوشش تاریخی برای تشکیل یک جبهه‌ی گسترده از همه‌ی نیروهای طرفدار مردم‌سالاری در ایران با هر عنوان. و یک سلسله مسائل گرهی دیگر جنبش مردم، که امروز نیز علی‌رغم در خون غرقه شدن داریوش فروهر و همسرش و غایب بودنشان در جمع رهبران احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران همچنان در دستور کار جنبش مردم ایران است، در آن دیدار به بحث گذاشته شد.

فروهر با دقت گوش می‌داد و با دقت پاسخ می‌گفت؛ و این خصلت برجسته حاصل پنج دهه حضور در صحنه‌ی مبارزه و سیاست در ایران بود. این دقت را وسواس ویژه‌ی او در دفاع از تمامیت ارضی ایران و حفظ اسرار دیدارها و گفتگوهایش و پرهیز از بردن نام افراد کامل می‌کرد که این نیز حاصل بارها زندان و پس دادن بازجویی در زمان شاه و جمهوری اسلامی بود.

فروهر در نیمه‌ی سال ۱۳۷۴ یقین داشت که دوران نوینی در ایران آغاز شده است و مردم به سرعت سیاسی شده و به صحنه باز می‌گردند؛ می‌دانست که این فصل نوین به جسارت و شهامتی تاریخی برای حضور در صف نخست مردم نیازمند است؛ و به همین دلیل، برای بازگشت به ایران روزشماری می‌کرد، واقعاً روزشماری می‌کرد! ...

**راه توده:** بحث درباره‌ی آزادی احزاب در چارچوب جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران مطرح است؛ اما سران حکومت برای گریز از پاسخ‌گویی به این خواست ملی مسئله‌ی حزب‌سازی را مطرح می‌کنند و به ستیز خود با احزاب قدیمی

و شناخته‌شده‌ی ایران ادامه می‌دهند. شما درباره‌ی امکان فعالیت آزاد و یا کمتر محدود حزب ملت ایران چه نظری دارید؟

**داریوش فروهر:** من اظهارات اخیر حجت‌الاسلام رفسنجانی درباره‌ی حزب‌سازی حکومتی را به عنوان رئیس‌جمهور بیشتر یک طرفند انتخاباتی تلقی می‌کنم تا اعتقاد به باز کردن زمینه‌ی فعالیت برای حزب‌های دگراندیش و ساختن حزب از سوی ایشان. نگاهی به گذشته‌ی جمهوری اسلامی، به‌خصوص با اشاره به گفته‌ی ایشان که گفته‌اند در ایران حزب جدی وجود نداشته، باید یادآوری خوبی باشد. در آستانه‌ی انقلاب، بزرگترین نیروی تشکیل‌دهنده‌ی خیزش‌هایی که به انقلاب منجر شد حزب‌هایی بودند که در صحنه حضور داشتند که هر یک سال‌های دراز پیکار با دیکتاتوری را پشت سر داشتند. در همان دوران، آقای رفسنجانی و یارانش با شتاب هر چه تمام‌تر یک حزب در پناه دولت و یا حزب در پناه مرکز قدرت سیاسی سر هم کردند به نام «حزب جمهوری اسلامی». آن‌ها با تکیه به این ابزار همه‌ی حزب‌های جدی را سرکوب کردند؛ آن‌ها نیروهای فشاری را، که اکنون کارشان به اوج رسیده، به میدان آوردند؛ مراکز احزابی را که پس از سالیان دراز سلطه‌ستیزی به آزادی‌های نسبی رسیده بودند، باشگاه داشتند، روزنامه داشتند، زیر ضربه گرفتند و از صحنه خارج ساختند. ایشان مدتی هوادار سیستم تک‌حزب بود. حزب جمهوری اسلامی، که حتی تشکلهای کوچک هوادار خودشان را هم یا در آن ادغام کردند و یا به تعطیل کشاندند، ولی بعد از مدتی همین رهبر برگزیده‌ی خبرگان و همین رئیس‌جمهور ادامه‌ی فعالیت آن را صلاح ندانستند و آن را تعطیل کردند. در این سال‌ها همواره، تکیه‌ی آقایان در گفتارها و نوشتارهایشان بر این بوده است که در ایران حزب جدی وجود ندارد؛ حتی پیش از سخنان اخیر رئیس‌جمهور، یکی از آنان که در بازی‌های هیئت مؤتلفه‌ی اسلامی سهم بسزایی دارد، این موضوع را پیش کشید که به هر حال باید حزبی وجود داشته باشد. من فکر می‌کنم آقای رفسنجانی هیچ وقت در کار زمامداری‌شان از یک شیوه‌ی یکنواخت و سنجیده بهره نگرفته‌اند. در زمینه‌های گوناگون، هر روز، یک نغمه‌ای ساز کرده است و روز بعد نغمه‌ای مخالف آن را. ایشان بیشتر در اندیشه‌ی نگه داشتن قدرت خودشان هستند. اکنون شاید چند نفر آن‌ها، که نامشان «تکنوکرات» گذاشته شده و دوروبر ایشان را گرفته‌اند، هوس داشته باشند که به‌نوعی زمامداری ایشان دنباله پیدا کند و در این راستا بخواهند حزبی هم تشکیل بدهند. اینجاست که من باید بگویم حزبی که ایشان تشکیل بدهند حزبی جدی نخواهد بود و، به‌رغم بهره‌برداری از همه‌ی امکانات دولتی، به جایی نخواهد رسید، از سوی مردم پشتیبانی نخواهد شد. یک عده کادر مزدبگیر، که دلشان برای نشستن پشت کرسی‌های قدرت لک زده، جمع خواهند شد که تازه تصور نمی‌کنم، با توجه به برخوردهای درونی گسترده‌ی سرمداران جمهوری اسلامی، با شتابی که به نزدیک شدن انتخابات آینده در جریان است، این برنامه هم اجرا شود. البته بین انتخابات پنجمین دوره‌ی مجلس و انتخابات رئیس‌جمهوری حدود یک سال فاصله است. شاید ایشان این شوخی را بخواهند برای آن هنگام تدارک ببینند.

**راه توده:** اهداف اقتصادی-اجتماعی جبهه‌ای که حزب شما فراخوان آن را انتشار داد و «جبهه‌ی مردم‌سالاری» اعلام داشت چیست؟

**داریوش فروهر:** این فراخوان از سوی دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران، با تصمیم شورای مرکزی حزب، هنگامی اعلام شد که من به لحاظ بیماری خارج از کشور بودم و تنها توانستم شنونده‌ی آن باشم؛ ولی به هر حال در جریان پشتیبانی‌هایی که در خارج و درون کشور از این تلاش برای شکل‌سازمانی دادن به جنبش خواستار مردم‌سالاری در ایران، از راه پدید آوردن یک جبهه‌ی فراگیر به عمل آمد، قرار گرفتیم؛ و تا آنجا که می‌دانم، در درون ایران، هنوز

هواداران این طرز فکر تکاپوهای گسترده‌ای را در هفته‌های گذشته برای جلب پشتیبانی داشته‌اند. در بیرون از کشور هم، نمایندگان حزب ملت ایران و همچنین خود من با سایر سازمان‌های سیاسی، به‌خصوص و بیشتر با سازمان‌های چپ‌گرا، که بیشتر از دیگر سازمان‌ها از این تفکر پشتیبانی کردند، نشست‌هایی داشته‌ام؛ و من امیدوارم این کار به نتیجه برسد. متأسفانه به علت فشارهای چند سال گذشته، سازمان‌های سیاسی داخل کشور بسیار محدود شده‌اند و شاید آن فراگیری لازم را نداشته باشند. لذا در آن فراخوان خواسته شد که نخبگان گروه‌های اجتماعی هم به چنین تشکلی بپیوندند، از استاد دانشگاه گرفته تا کارگر، پزشک، بازاری، مهندسین و بالاخره همه‌ی کسانی که می‌توانند هسته‌ی مرکزی این تشکل جدید را شکل بدهند. نام این تشکل جدید بر جنبش خواستار مردم‌سالاری در ایران تکیه دارد و شاید جبهه‌اش هم بخواهند همان نام را داشته باشد ولی از سوی رهبران حزب ما هیچ تعصبی درباره‌ی نام وجود ندارد. می‌توان نام آن را «جبهه‌ی آزادی‌خواهی» گذاشت، می‌توان «جبهه‌ی ملی» را زنده کرد؛ ولی یادتان باشد که جبهه‌ی ملی محدود شده در سه یا چهار سازمان دیگر زمانش گذشته است. مصدق بزرگ هم در آخرین رهنمودهایش ذکر کرد که درهای جبهه‌ی ملی به روی همه‌ی نیروهای خواستار آزادی و استقلال ایران باید باز باشد. ما هم در این فراخوان بیشتر روی هدف‌های انقلاب، که عبارت بود از استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی، تکیه کردیم که چنین جبهه‌ی فراگیری، با اینکه لبه‌ی تیز را روی خواست مردم‌سالاری قرار می‌دهد، نباید از هدف‌های بنیادین انقلاب دور باشد.

**راه توده:** اجازه بدهید، پیش از پرداختن به بقیه‌ی مسائل، همین جا بپرسم واکنش حکومت را در آینده‌ی نزدیک که به ایران باز گردید چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در ارتباط با فراخوان «جبهه‌ی مردم‌سالاری» این سؤال را طرح می‌کنم. **داریوش فروهر:** اول باید بگویم که من در کار انجام‌شده حضور روشن نداشتم. رهبری حزب ملت ایران در این عرصه حضور داشته و من هنوز فشار غیر عادی بر آن‌ها را نشنیده‌ام؛ و به‌طور کلی فشار را در این زمان به سود سردمداران جمهوری اسلامی نمی‌بینم. آن‌ها در وضعی قرار دارند که ناگزیرند به افکار عمومی مردم ایران و جهان توجه داشته باشند. به این دلیل فکر می‌کنم در بازگشت به ایران با مشکلی مواجه نخواهم بود؛ ولی دست بالایش را که بگیریم، وظیفه‌ی ملی ایجاب می‌کند که ایران را از تنگنای کنونی نجات بدهیم و، در راه انجام وظیفه، از اینکه حکومت چنین و چنان کند، حتی اگر بدترین آن در انتظار باشد، هراسی ندارم.

**راه توده:** وسعت محدودیت‌هایی که حکومت بر فعالان سیاسی و احزاب سیاسی ایران اعمال می‌کند اغلب و به‌ویژه در دوران اخیر، که نوعی فعالیت محدود در مصاحبه‌های شما و دیگران تحمل می‌کند، تا چه حدود است؟ **داریوش فروهر:** این از شوخی‌های سردمداران جمهوری اسلامی است. فضای باز سیاسی در ایران، به معنای برخورداری حزب از امتیازات لازم، وجود ندارد. در پاره‌ای اوقات، تحمل برخی اعلامیه‌ها از جانب احزاب به چشم می‌خورد؛ اما این به معنای فضای باز سیاسی برای احزاب و، به‌طور کلی، برای نشریات آن‌ها نیست. احزاب از امتیازات لازم برخوردار نیستند؛ مثلاً باشگاه حزب ملت ایران از سال‌ها پیش اشغال شده است، نشریه‌ی حزب ملت ایران، آرمان ملت، یکی از نشریاتی بود که در ۱۹ خرداد ۱۳۶۰ بی‌سبب، حتی پیش از آن شبه‌کودتای

واپس‌گراترین جناح جمهوری اسلامی، همراه با روزنامه‌های مردم، میزان، انقلاب اسلامی، عدالت، توقیف شد. از آن تاریخ تا کنون، هیچ کس اعلام نکرده است که این نشریه‌ها می‌توانند منتشر شوند؛ حتی یک آگهی ختم از جانب ما را بسیاری از روزنامه‌ها، مانند دشنام‌نامه‌ی کیهان چاپ نمی‌کنند. ما حتی یک کارت تبریک نوروزی را نمی‌توانیم در چاپخانه‌های ایران چاپ کنیم، باید کارت را به وزارت ارشاد فرستاد و این وزارتخانه اجازه‌ی چاپ آن را بدهد، که

البته هیچ وقت هم چنین اجازه‌ای را نداده‌اند. در ایران، برخی حزب‌ها، که توانسته‌اند زیر فشار دیکتاتوری هستی سازمانی خود را حفظ کنند، بر ادبیات زیراکسی تکیه داشته‌اند. حتی در ماه‌های گذشته فضای سیاسی کشور تنگتر شده و آقایان گام‌های خوفناک دیگری را در زمینه‌ی محدود کردن باز هم بیشتر آزادی‌ها می‌خواهند بردارند. تظاهرات اخیر گروه‌های فشار و تهاجم در خیابان‌ها خلاف تبلیغاتی است که درباره‌ی فضای باز سیاسی رایج می‌کنند. البته در میان سردمداران جمهوری اسلامی بازی‌هایی درمورد برقراری فضای آزاد وجود دارد که من هرگز به آن باور ندارم.

**راه توده:** عوارض ناگوار برنامه‌ی «تعدیل اقتصادی» دولت رفسنجانی و متحد نزدیک آن، یعنی گروه‌بندی رسالت- مؤتلفه‌ی اسلامی، به‌سرعت در جامعه‌ی ما خود را نشان داد؛ حتی در نشریات وابسته به سازمان‌های چپ مذهبی ایران نیز این واقعیت منعکس است. حزب ملت ایران این برنامه و اصولاً وضع اقتصادی کشور را چگونه می‌بیند؟ **داریوش فروهر:** بررسی وضع اقتصادی کشور و آنچه جمهوری اسلامی کشور را دچار ورشکستگی کرده و گرانی وحشتناکی به وجود آورده پیوسته در نشریات و اطلاعیه‌های حزب ملت ایران منعکس بوده است و حتی در اعلامیه‌ی مربوط به فراخوان جبهه‌ی مردم‌سالاری نیز، در بخش مربوط به عدم توانایی جمهوری اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌ی اقتصادی، به آن اشاره داشته‌ایم؛ ولی دادن برنامه می‌تواند دو جنبه‌ی گوناگون داشته باشد: در یک برنامه، کلیات مورد درخواست مطرح می‌شود، ما این کلیات را گفته‌ایم و حتی وقتی حکومت ۱۸۰ درجه تغییر مسیر داد و از تعدیل اقتصادی و سیاست بازار سخن گفت، ما فریب این سیاست بانک جهانی را نخوردیم و مثل آقای هاشمی از هول حلیم در دیگ آن نیفتادیم؛ ولی برنامه‌ریزی به معنای دقیق کلمه برای ریشه‌کن کردن فقر، شتاب بخشیدن به روند رشد جامعه، و مسائلی این‌گونه تخصصی و ریشه‌ای نیازمند آمار و ارقام واقعی درباره‌ی درآمد و هزینه‌های کشور است. این آمارها در اختیار ما نیست. البته بی‌شک اگر آن جبهه‌ی خواستار مردم‌سالاری پی‌ریزی بشود، در این زمینه به طور بازتر و دقیق‌تر اظهار نظر خواهیم کرد.

**راه توده:** در حالی که از ضرورت اتحاد همه‌ی نیروها سخن در میان است و همگان به یک «جبهه» فراخوانده می‌شوند، چرا پاره‌ای اختلاف دیدگاه‌ها بین حزب ملت ایران و نهضت آزادی ایران هر چه زودتر از میان برداشته نمی‌شود؟ وقتی اتحادها مطرح است، طبعاً اختلاف دیدگاه‌ها باید تحمل شود.

**داریوش فروهر:** پیش از هر چیز خوب است از این وضع که نیروهای ناسازوار با جمهوری اسلامی با هم هماهنگ نیستند ابراز تأسف کنم. درمورد نهضت آزادی باید بگویم که آن‌ها از لحاظ ایدئولوژی به آنچه جمهوری اسلامی هست نزدیک‌ترند تا به حزب ملت ایران. ما اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی، صرف‌نظر از نقایص بزرگ آن، در آمیختن آموزش‌های دینی با ضابطه‌های دولتی است؛ و به همین دلیل خواستار شدیم که، بعد از شانزده سال آزمایشی، که برای ملت ایران اندوهبار بوده است، هنگام آن رسیده است که از جدایی دین و دولت حمایت کنیم. من درباره‌ی جدایی دین و حکومت صحبت می‌کنم و صحبتم ارتباطی با جدایی دین از سیاست ندارد. تفاوت اساسی حزب ملت ایران و نهضت آزادی در همین است. سخن فقط بر سر شورای رهبری یا رهبر، حقوق بشر یا حاکمیت ملی ناسازوار با فرا گذاشتن پا از حدود قانون نیست. صحبت بر سر این است که قانون اساسی در راستای جدا کردن دین از دولت باید مورد بازنگری قرار گیرد؛ در صورتی‌که نهضت آزادی خود را ملزم به قانون اساسی نشان می‌دهد. دنبال این طرز فکر این می‌شود که به قانون اساسی و قانون‌هایی که به پیروی از آن نوشته شده‌اند احترام گذاشته شود.

**راه توده:** ما اطلاع داریم که برخی احزاب دیگر نیز در داخل کشور فعال شده‌اند، حتی صحبت از وحدت دوباره در حزب مردم ایران مطرح است. مناسبات شما با این احزاب چگونه است؟

**داریوش فروهر:** در مورد جنبش مسلمان مبارز و جنبش انقلابی مردم ایران و بالاخره حزب مردم ایران، ابتدا باید بگویم که آن‌ها همگی به شکلی واحد از سازندگان جبهه‌ی ملی بودند. البته از دوران‌های پویایی جبهه‌ی ملی صحبت می‌کنم. ما پیوسته با آن‌ها در تفاهم بوده‌ایم؛ حتی با حزب مردم ایران، که به دلیل دو جدایی پیش‌آمده در این حزب از فعالیت مؤثر باز مانده بود. این‌ها (مجموعه‌ی حزب مردم ایران) اکنون در کنار هم اعلامیه‌هایی می‌دهند که در آن‌ها بر شعار «استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی» تأکید می‌شود. حزب ایران نیز به تدریج خود را از زیر فشار بیرون می‌کشد. به این ترتیب، سه حزب قدیمی ایران، یعنی حزب ایران، حزب مردم ایران و حزب ملت ایران، به دلیل دیدگاه‌های بنیادینی که دارند، در کنار هم قرار گرفته‌اند. از آنجا که اتحاد و همکاری سازمان‌های سیاسی به نسبت تجمع افراد دارای اهمیت بیشتر است، حزب ما از این همکاری استقبال می‌کند. هم‌اکنون هم کوشش‌های گسترده‌ای برای تشکیل یک جبهه‌ی فراگیر در کار است. امیدوارم کمبود سازمان‌ها را بتوان با گزینش افرادی از میان نخبگان اجتماعی جبران کرد. به هر حال، اصل همانا رویارویی با خودکامگی و تلاش برای بازنگری در قانون اساسی و پدید آوردن بنیادهای حاکمیت ملی است که برتر از هر چیز است.

**راه توده:** ببخشید که حرف شما را قطع می‌کنم. ممکن است این تمرکززدایی را با توجه به خواست‌های مربوط به خودگردانی یا خودمختاری توضیح بدهید؟

**داریوش فروهر:** جبهه باید بر شیوه‌ی مردم‌سالاری تکیه بکند و از تمرکزگرایی اجتناب کند - همان تمرکزگرایی که در زمان پهلوی‌ها شروع شد و در جمهوری اسلامی ادامه یافت. دادن اختیار هر نقطه از کشور به مردم آنجا باید شکل بگیرد. اعتقاد من این است که باید مبارزه را به درون مردم و به گوشه‌وکنار ایران برد. تنها در چنین صورتی ایران آینده در سامانی نو بازسازی خواهد شد.

**راه توده:** بحث مربوط به دین، سیاست، و دولت بسیار حساس شده است. با توجه به بافت مذهبی جامعه، ما خودمان طرفدار هر چه سیاسی‌تر شدن مردم و توده‌ای‌تر شدن جنبش هستیم و اصولاً اعتقاد داریم که، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، دین و باورهای مذهبی مردم با سیاست در هم آمیخته است؛ و به همین دلیل، حضور سیاسی نیروهای وسیع و توده‌ای مردم مذهبی را در جامعه مثبت ارزیابی می‌کنیم. با توجه به بافت فرهنگی-سیاسی جامعه، ما به این طریق از مشارکت سیاسی فعال توده‌های وسیع مردم ایران در سرنوشت کشور دفاع می‌کنیم و معتقدیم تعمیق و آگاهی بیشتر بینش سیاسی توده‌های وسیع مردم به سود منافع ملی کشور است. به همین دلیل نیز، در کنار دفاع از ضرورت آزادی همه‌ی احزاب سیاسی، از آزادی احزاب سیاسی با اندیشه‌های مذهبی نیز دفاع می‌کنیم. برخی بلندپایگان حکومت آگاهانه شعار مربوط به جدایی دین از حکومت را تحریف کرده و، در ستیز با مخالفان و به منظور تحریک مردم علیه آن‌ها، مدعی می‌شوند که «می‌خواهند دین را از سیاست جدا کنند!» حتی زیر این جوسازی، دفاع از روحانیت حکومتی را به وظیفه‌ی الهی-سیاسی مردم می‌خواهند تبدیل کنند - همان روحانیتی که بی‌تردید در به وجود آمدن مشکلات کنونی ایران سهم بزرگی داشته است. حزب شما در این گونه چگونه می‌اندیشد؟

**داریوش فروهر:** ما اعتقاد به حذف نیروهای مذهبی از صحنه‌ی سیاسی کشور نداریم. من اگر صحبت از جدایی دین و دولت از یکدیگر می‌کنم، نظرم نیست که روحانیون و نیروهای مذهبی حذف بشوند، بلکه آن‌ها هم می‌توانند

بدون داشتن امتیازی نسبت به سایر نیروها در پیکار سلطه‌ستیزانه‌ی آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران سهم خودشان را داشته باشند. اگر مردم به آن‌ها رأی دادند، بر کرسی قدرت بنشینند. بنابراین، حزب ملت ایران در این مورد هم از اصول مردم‌سالاری پیروی می‌کند؛ و به همین دلیل نیز، از آزادی فعالیت سیاسی آن نیروهای مذهبی جامعه نیز دفاع می‌کند که هم‌اکنون از سوی آقایان از فعالیت سیاسی محروم شده‌اند و حتی تحت پیگرد هم قرار دارند. تنها سخن بر سر این است که گرداندگی کشور در جهان کنونی نیاز به یک دگرگونی در اندیشه‌ی حاکم بر وضع کشور دارد که آن هم جدایی دین از دولت است.

**راه توده:** رؤس دیدگاه‌های خودتان را در این باره می‌توانید اعلام کنید؟

**داریوش فروهر:** در این مورد من می‌توانم از سرفصل‌های این برنامه سخن بگویم. برنامه‌ای دقیق نیاز به داشتن آمار و ارقام دارد. ما حزبی هستیم خواستار عدالت همگانی، دخالت دولت در سازندگی کشور. نسخه‌پیچی‌های بخش خصوصی و اقتصاد بازار، که در واقع یک عده دلال و اختلاسگر مجری آن شده‌اند، به درد کشور ما نمی‌خورد. این‌ها پشت شعار اقتصاد آزاد پنهان شده‌اند و مملکت را غارت کرده‌اند. غارت کشور، دلال‌بازی، و باز گذاشتن درهای مملکت برای آنکه قدرت‌های بزرگ بیایند و هر گونه می‌توانند مملکت را به تاراج ببرند و سهمی هم با آقایان بدهند نامش «اداره‌ی اقتصادی کشور» نیست. تأسف‌آور است که همین آقای هاشمی و بقیه‌ی آقایان تحت شعار «اقتصاد اسلامی» و «حکومت عدل اسلامی»، که گویا با همه‌ی دیگر اقتصادها تفاوت دارد، چنین بلایی را بر سر مردم ما و ایران عزیز ما آوردند. دزدی، فساد، اختلاس، فحشا، ترویج روحیه‌ی دلالی در سراسر کشور، بدهی باورنکردنی به قدرت‌های خارجی، که گویا از مرز ۴۵ میلیارد دلار هم گذشته است، حاصل این سیاست است. علاوه بر فقر و مسکنت حاکم بر کشور، از این طریق، به فرهنگ و سنت‌های ملی ایران ضربه‌ای تاریخی وارد شده است. هویت ملی ما زیر ضربه قرار گرفته است. بخش خصوصی می‌تواند سرمایه از خودش داشته باشد، تکنولوژی داشته باشد، و به میدان بیاید و توانایی خود را در راستای رشد ملی اقتصاد کشور نشان بدهد؛ اما در ایران کنونی بخش خصوصی یک مشت دلال‌اند که به اعتبارهای بانکی و اختلاس تکیه دارند و کارخانه‌ها و کشت و صنعت دولتی را به ثمن بخش می‌خرند و دولت هم دلال و واسطه‌ی چنین فاجعه‌ای است. حزب ما اعتقاد دارد که در کشوری نظیر ایران پشتیبانی و هدایت و حتی کنترل دولت از صنایع بنیادین مملکت ضروری است. بازار آزاد مال دوران شکوفایی اقتصاد است - دوران پاگیری اقتصاد. به همین دلیل است که می‌بینید دولت در همین اواخر و بر اثر فشار واقعیاتی که از همان ابتدا به آن‌ها گوشزد شده بود از برنامه‌ی خود عقب‌نشینی می‌کند و آن هم وقتی که ملت را تا گلو زیر قرض برده‌اند. این عقب‌نشینی در زمانی صورت گرفته است که برنامه‌ی «تعدیل اقتصادی» به نیروی انتظامی پناهنده شده است و آن را در پناه شلاق و تعزیر حفظ کرده‌اند؛ یعنی همان یگانه هنری که برای اداره‌ی کشور طی همه‌ی این سال‌ها داشته‌اند حالا آن را برای اداره‌ی اقتصاد کشور هم به کار گرفته‌اند. سیاست‌های این‌ها تا کنون جز فلاکت برای مردم ما نتیجه‌ای نداشته است.

**راه توده:** به نظر ما، حکومت در حالی که انواع شعارها را می‌دهد خود سرگرم بزرگترین زدوبندها و معاملات سیاسی با قدرت‌های امپریالیستی جهان است. در واقع، سیاست خارجی جمهوری اسلامی آن نیست که در حرف و شعار به مردم می‌گوید. بدین ترتیب است که جلب حمایت همین قدرت‌های امپریالیستی برای حفظ و تأیید حکومت موجود به یک هدف رقابتی بین دو گرایش در درون دولت کنونی تبدیل شده است و هر کدام سعی می‌کند پیش از دیگری این جلب حمایت را به هر وسیله‌ی ممکن به دست آورد. شما برای ایران کدام سیاست خارجی را مفید و

ملی می‌دانید؟

**داریوش فروهر:** ملت ایران همواره خواسته است که در سیاست خارجی با همه‌ی ملتها و دولت‌های متکی بر ملتها رابطه‌ی خوب، بر پایه‌ی احترام متقابل داشته باشد. دنیای کنونی دنیای دشمنی و یا دوستی همیشگی و ابدی نیست. ما در هر هنگام باید سود فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی ملت خودمان را تشخیص بدهیم. با سیاست مرگ بر این و مرگ بر آن، که اکنون جانشین شعار «مرگ بر امپریالیسم» شده، که یک موقعی می‌گفتیم، سازوار نیستیم. شما می‌بینید که پشت همین شعارها چگونه دست قدرت‌های بزرگ را برای غارت اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه باز گذاشتند؛ و اکنون هم استقلال ملی ما را به دست مشت‌ی دلال سپرده‌اند تا، در پناه سرنیزه و سرکوب مخالفان این خیانت تاریخی در داخل کشور، آن را در بازار بین‌المللی نه تنها بفروشند، بلکه بر باد بدهند. بنابراین، ناوابستگی کامل و داشتن رابطه‌ی سودبخش ملی با همه‌ی کشورها به سود وطن ماست.

**راه توده:** افغانستان و سرنوشت آن آن قدر به ایران و سرنوشت آن نزدیک است که مسائل مربوط به آن را چندان نمی‌توان در متن سیاست خارجی مطرح کرد؛ اما به هر حال و از آنجا که تعداد خوانندگان و علاقه‌مندان افغانی نشریه‌ی راه توده روزبه‌روز بیشتر می‌شود، اطلاع از دیدگاه حزب شما درباره‌ی حوادث اخیر این کشور، به‌ویژه پیشروی ارتجاعی‌ترین گروه‌بندی سیاسی-مذهبی در سراسر این کشور ویران‌شده، بسیار جالب توجه خواهد بود.

**داریوش فروهر:** افغانستان سرنوشتی دردناک یافته است. امپریالیست‌ها، ارتش پاکستان، و پول عربستان نفاق‌های هولناکی را در افغانستان به وجود آورده‌اند. تشکیل این گروه طالبان یک طرح آمریکایی است و بیشتر بر ضد ایران است تا ضد جمهوری اسلامی. چه‌بسا که در بسیاری مسائل طالبان همان اندازه واپس‌گرا باشد و هست که گروه بزرگی از دولت‌مداران و به‌قدرت‌و ثروت‌دست‌یافتگان کنونی جمهوری اسلامی هستند.

**راه توده:** مسئله‌ی دفاع از مالکیت ایران بر سه جزیره‌ی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را نیز در حقیقت یک امر داخلی باید ارزیابی کرد؛ اما چون با سیاست خارجی پیوند خورده است، در اینجا مطرح و نظر حزب شما را به عنوان یک حزب ناسیونالیست می‌خواهیم بدانیم.

**داریوش فروهر:** من ابتدا حساب بازی‌های سیاسی را که درباره‌ی این سه جزیره راه انداخته‌اند و خود حکومت هم در آن نقش دارد از واقعیت مسئله جدا می‌کنم. واقعیت این است که سه جزیره همواره ایرانی بوده‌اند و اصولاً جزایر خلیج فارس ایرانی بوده‌اند، حتی آن‌هایی که امروز به استقلال رسیده‌اند و یا به شیخ‌نشین‌ها سپرده شده‌اند. این درک و اعتقاد حزب ملت ایران بوده و هست. از نظر بین‌المللی نیز، شورای امنیت به برقراری و حفظ حاکمیت ایران بر این سه جزیره رأی داده است؛ و بدین ترتیب مسئله پایان یافته است. این نغمه‌ای که دوباره ساز شده حق تاریخی مردم ایران را زیر علامت سؤال نمی‌برد. این کار قدرت‌های بزرگ است که از این کشور به عنوان مترسک علیه ایران استفاده می‌کنند. اینجا صحبت از جمهوری اسلامی نیست، صحبت از تمامیت ارضی ایران است و سازمان‌های بین‌المللی هم نمی‌توانند و نباید اجازه داد تصمیم‌های تاریخی را نادیده بگیرند. این هم یکی دیگر از نتایج بی‌سیاستی و حکومت بر اساس شعار و تحریک همگانی است.

**راه توده:** با توجه به وضع جسمی شما و عوارض جراحی بزرگی که روی شما صورت گرفته، اگر موافق باشید بقیه‌ی این گفتگو را به وقت دیگری موکول کنیم.

**داریوش فروهر:** با ادامه‌ی گفتگو و پیشنهاد شما موافقم؛ و در عین حال، از توجهی که به وضع جسمی کنونی من دارید تشکر می‌کنم، زیاد طول نخواهد کشید. خوش‌بختانه هنوز می‌توان از نیرومندی سال‌های جوانی کمک گرفت.

راه توده: البته ما علاوه بر نیروی جوانی، جسارت و شجاعت سال‌های پیش از پیروزی انقلاب را هم در شما می‌بینیم. سال ۵۷ و در جریان یورش رنجرهای ارتش، که فکر می‌کنیم زیر نظر سرلشکر خسروداد بودند به مراسم کاروان سراسنگی، که شما در آنجا حضور داشتید، و یا هنگام تشییع جنازه‌ی استاد نجات‌الهی در جریان حکومت نظامی، که با آغاز تیراندازی به سوی مردم شما بالای ماشین حامل جنازه رفتید و پالتوی خودتان را در آوردید و خطاب به سربازها فریاد کشیدید بزنید!